



۲۰۲۱/۰۲/۱۵



خلیل الله معروفی

## نشر مجدد یک مقاله

درین روزها بازار آب و بند و انهار افغانستان گرم است: – "بند کمالخان" بعد از تأخیر حدوداً پنجاه سال، سرانجام تکمیل گردیده و شروع به ثمرگیری نموده است. اعمار این بند در دوره ریاست جمهوری زعیم بزرگ افغانستان، "سردار محمد داوود خان"، سر دست گرفته شده بود، که نسبت اوضاع پر لیل و نهار و متشنج وطن، با این همه تأخیر بر مسند حاصل مینشیند!!! – "بند شاه و عروس" در شکر دره کابل نیز به بهره برداری سپرده شده است – و قرارداد اعمار "بند شاهتوت" بالای دریای کابل و در منطقه ای به نام "شاهتوت"، با کشور دوست ما "هندوستان"، امضاء گردید. "شاهتوت" منطقه ای سرسبز و بی اندازه خرم و شادابی ست، که در مسیر دریای کابل – بالاتر از "گلباغ" و پایتتر از "لندر" – قرار دارد. اعمار "بند شاهتوت" در عهد زمامداری اعلیحضرت "محمد ظاهرشاه" سر زبانها بود، که خداوند بالآخره امروز روی بختش را باز کرده است .... موجودیت صدها دریای سرکش و متلاطم و غریب در وطن عزیز ما "افغانستان"، یک موهبت و ودیعت بزرگ و بلکه بزرگترین و مهمترین ودیعت و موهبت خداوندی ست. از ژورنالستان جوان و فعال وطن یکی هم کسی ست به نام "همایون افغان"، که کلیپهای فراوانش زیب و زینت انترنت در "یوتوب" گشته است. یک ویدیو او را در زمان بر فباری سال گذشته کابل نشان میدهد؛ و نشان میدهد، که این جوان فعال و دلسوز با پای خود دور یک درخت نیمچه را، سنگقاله میکند و میگوید، که آب برف و باران ما باید در زیر زمین وطن فرو برود، نه این، که در دریای کابل بریزد و رهسپار پاکستان گردد!!! اگر "همایون جان افغان" به رسته خود، "یک قطره" آب ما را نجات داده و در دسترس خود ما قرار میدهد، چرا همه ما، "همایون افغان" نشویم و نگذاریم، که دریاها قهار و آبهای بیشمار و سرشار ما در دامن بیگانگان بریزند؟؟؟ با همین ملحوظات، مقاله دوم جولای ۲۰۲۰ خود را، که "آب ما – آبروی همسایگان" عنوان گرفته و در صفحه سوم جولای ۲۰۲۰ "آریانا افغانستان آن لاین" مجال نشر یافته بود، یکبار دیگر از نظر وطنداران عزیزم میگذرانم. از صمیم قلب آرزومندم، که این مقاله از نظر اولیای امور افغانستان هم بگذرد و باعث گردد، که توجه به مهار کردن آبهای ما در صدر اهم امور کشورداری قرار گیرد!!! و من الله التوفیق

(خلیل الله معروفی – المان – ۱۵ فیروزی ۲۰۲۱)

## آب ما – آبروی همسایگان



این ضرب المثل بسیار بسیار بسیار قدیمی مردم کابل را مدّ نظر بگیرید، که بحث را بر مبنای آن استوار میسازم. مردم قدیم و فهیم و نازنین کابل قدیم همیشه و مُدام الوقت گفته اند، که:

«ریش از مه و اختیارش از مُلا» یا «ریش از مه و اختیارش د دست مُلا»

این یک موهبت خدادادی و خداوندی ست، که افغانستان ما از نگاه طبیعی همه چیز دارد؛ و ازین ناحیه به هیچ کس و هیچ جای نیازمند نیست. طبیعت بی همتا و کوههای فلکسا و دریاها خروشان و دشتهای بیکران و آفتاب درخشان و زمینهای زرخیز و معادن سرشار از تمام انواع و اقسام عناصر را خداوند بزرگ و طبیعت برای وطن عزیز ما ارزانی

کرده است. البته "زحمتکش و مرد میدان بودن" مردم ما نیز از زمره مواهب و عطایای خداوندی ست. چیزی، که بلای جان ما و این سرزمین گشته است، موقعیت بسیار حساس آن ست، که مُدام چشم جهانکشایان و جهانستانان و عالمگیران را خیره ساخته؛ و در حدی خیره ساخته است، که همه با "خیره سری" میکوشند بر این سرزمین مشحون از غناها و ثروتها، سیطره پهن نمایند. پس موقعیت حساس جغرافیائی افغانستان به علاوه منابع سرشار آن، اگر از یک طرف نعمات خداداد است، از طرف دیگر "بلای جان" کشور ما و مردمش نیز گشته اند.

از جمله ارکان و عوامل مخلّ خاک عزیز ما، افغانستان، یکی هم وجود همسایگان بدگنش و بدخواه و به اصطلاح شیرین عوام کابلی "بدرودار" است. ضمن مقاله مؤرخ ۶ می ۲۰۲۰ معنون به «نشست و ویژه و باشگاه - مهلکتر از "کورونا"»، نوشتم:

«... وطن عزیز ما در منطقه ای قرار دارد، که از نگاههای فراوان شایان توجه جهان و جهانیان و بالخاصه همسایگان آن میباشد. یقین دارم، که ناقد محترم با من همنظر است، که افغانستان هیچ همسایه "خیرخواه" ندارد و ازین میانه دو همسایه شرقی و غربی ما - پاکستان و ایران - نه تنها این، که "خیرخواه" افغانستان نیستند، بلکه "دشمنان" افغانستان هستند؛ آن هم دشمنان "بدخواه و خونین". این دو همسایه بدخواه و دشمن پدری ما، هرگز طرفدار موجودیت کشوری به نام "افغانستان" در بغل گوش خود نیستند؛ آن هم افغانستانی، که مرفه باشد و شگوف و مترقی و متکی به خود باشد. سعی پیوسته ایشان درینست، که اگر نتوانند "کشور" افغانستان را از روی زمین بردارند، لاقلاً بکوشند، تا یک "دولت" ضعیف و دستگیر و به اصطلاح شیرین عوام کابلی، "پیش پایخور" همسایگان را بر آن تحمیل کنند. از همین خاطر است، که:

- "پاکستان" گروه منحلّ و متحجر و قرون وسطائی "طالبان" را عملاً به جان مردم ما انداخته است، تا دمار از روزگار ایشان بیرون آورند

- و "ایران" از طریق عمال افغانی خود، "تهاجم بی امان فرهنگی" را عملی میدارد، تا ازین طریق اهداف ستراتیژیک خود را برآورده ساخته و بر سرنوشت کشور ما مسلط گردد....»

چرا همسایگان میکوشند تا در افغانستان دولت قوی و مدبر و مدبر یا با اراده و تدبیر و متکی به خود به وجود نیاید؟؟؟  
جواب بسیار ساده است و من این جواب را لاقلاً از دریچه و از نگاه ودیعه حیاتبخش "آب" عرضه میکنم:

اگر افغانستان دولت قوی ملی و مدبر و متکی به خود داشته باشد، فوراً در صدد میشود، تا منابع افغانی را در خدمت منافع افغانستان به کار اندازد. و درین میانه "آب افغانستان"، رول و اهمیت بسیار زیاد و بیرون از حدّ و قیاس، مهم را بازی میکند. زیرا:

اگر افغانستان قادر گردد، که دریاها، بیسمار و خروشان و پرغوغای خود را مهار کند و آبهای آنها را جهت سیراب ساختن زمینهای تشنه و عطشناک خود ما به کار اندازد؛ دیگر آب ما از افغانستان بیرون نمیروود و در دامن همسایگان بیمایه و "بی آب" ما نمیریزد. از همین سبب است، که بالدوام و هرورمرو میکوشند، تا در افغانستان:

- اولاً صلح و آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی نیاید

- در ثانی دولتهای بیکاره و نوکر بیگانگان و گوش به فرمان همسایگان، سر کار باشند، تا به دهل همسایگان برقصند و اوامر و احکام و هدایات همسایگان بدجنس را عملی بسازند. در چنین حالت و در وجود چنین دولتهای دستنگر و "پیش پایخور" است، که آبهای ما مفت و کللذی و رایگان در دامن ایران و پاکستان سرازیر میشوند و زمینهای آنها را آبیاری میکنند، در حالی، که خود ما از تشنگی میمیریم و زمینهای ما تا دل بخواهد، بُوره و بیوه و بی ثمر مانده اند!!!

بلی؛ "آب" افغانستان "آبروی" همسایگان بیمایه و "بی آب" و "ناشکر" ما ست و تا به خود نیانیم و آب خود را جهت برآورده ساختن احتیاجات جدی داخل وطن خویش به مصرف نرسانیم، وضع ما بهبود نمییابد. چون اگر آب ما در اختیار همسایگان قرار داشته باشد:

- هم در بدل صدها ملیون دالر برق از همسایگان میخریم
- هم محصولات خشره و "کس مخر" زراعتی همسایگان را وارد میکنیم
- و هم "قار و ناز" سیاسی و اقتصادی همسایگان بدجنس خود را میکشیم.
- اما اگر "آبهای خروشان" و دریاها سرکش و قهار خود را مهار و مقهور گردانیم:
- هم زراعت ما رونق میگیرد
- هم بیکاری از بین میرود
- هم از نگاه تولید برق متکی به خود میشویم و دستنگر برق همسایگان نمیانیم ....
- اعمار صدها و بلکه هزاران سدّ و بند در مسیر دریاها خروشان و گذرنده از دره های تنگ، که اعمار این همه بند و سدّ را بسیار ساده و آسان و کم مصرف میسازد - و این به ذات خود یک موهبت است:
- هم باعث رونق زراعت گشته و ما را به خودکفائی مواد "زراعتی - صنعتی" میرساند.
- هم تولیدات برق تمام افغانستان را روشن میسازد و صدها و هزاران کارخانه را به کار می اندازد و ما را در موقعیتی قرار میدهد، که خود برق صادر کنیم.
- تولید ماهی باعث فراوانی گوشت میشود و ما را ازین ناحیه هم بی نیاز میگرداند.
- با اعمار بندهای بیشمار اقلیم افغانستان تغییر میخورد و باعث میشود، که جنگلها رونق بگیرند و این به ذات خود:
- هم باعث سرسبزی کشور میگردد
- هم باعث تولید باران میشود - چون جنگلها و مراتع سرسبز خود "بارانزای" و "باران آور" هستند
- و هم هوای بیحد آلوده شهرهای بزرگ ما را تصفیه میکنند
- و مزایای بی حد و شمار دیگر!!!
- نکته آخرین این مقاله را به مقایسه "آب" با منابع دیگر طبیعی تخصیص میدهم و بلافاصله میگویم، که "آب" به حیث منبع "خلاصی ناپذیر" بر تمام منابع دیگر طبیعی ما، رُحمان و بلکه ارجحیت دارد. اگر در زمانه ها و روزگاران بسیار قدیم، کسی مقوله "خیر جاری" را در موارد دیگر استعمال میکرد، من امروز مقوله زیبای "خیر جاری" و بلکه "خیر جاودان" را در مورد "آب" استعمال میکنم، زیرا:
- "آبهای ما" آن منبع خدادادی ست، که هرگز تمامی ندارند و تا زمین و آسمان و آفتاب جهانتاب است، "آب" نیز وجود خواهد داشت. کوهساران و کوهستانهای نهمار و فلکخراش و آسمانسای افغانستان عزیز ما همیشه برفگیر هستند و از ذخائر عظیم و نامتناهای آب منجمد پوشیده شده اند؛ و از همین جای است، که دریاها خروشان و سرکش و مغرور ما سرچشمه میگیرند و مملکت ظاهراً غریب و نادار و فقیر ما را، سرشار از غناهای دائمی میسازند؛ برعکس منابع دیگر طبیعی، از قبیل معدنیات، که ذخائرش روزی به پایان میرسد:
- اگر زغال است و یا آهن و مس و کوبالت و نفت و گاز و احجار کریمه و غیرهم، این همه روزی به اتمام میرسند و طبیعت آنها را دوباره تولید کرده نمیتواند. در حالی، که "آب" واقعاً و به تمام معنی حیثیت "منبع جاودان" و بلکه "معدن جاودان" را دارد!!!

اگر در مجموع کره زمین نگریسته شود، مقدار آب آن تقریباً ثابت میماند و این اوضاع جوی و تابش آفتاب است، که آب را از طریق "دوران متوالی و پیریودیک" به جریان می اندازد؛ و تا زمین و آسمان است، این پروسه وجود خواهد داشت!!!

همین چند نکته را "ماده وار" و به زبان "ساده و پیاده" پیش کشیدم؛ شاید مورد التفات خواننده عزیز قرار گیرد. وطنداران عزیزم و آنانی، که درین فن تخصص دارند و گویا "متخصص و فنّان" این رشته حیاتی هستند، اگر خواستند، بیشتر و غنی تر بنویسند و حق مطلب را بهتر و به صورت آجمل و اکمل اداء فرمایند!!!

زنده باد آب و آباد باد سدّ و بند و انهار!!!

(خلیل الله معروفی - همبورگ - دوم جولای ۲۰۲۰)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی، بالای عکس کلیک کنید

